

جای چپ در صف مقدم جنبش اعتراضی مردم است!

محمد رضا شالگونی



بقیه در صفحه ۳

غلیان خشمی سی ساله



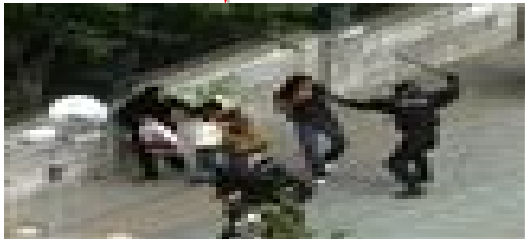
اعلامیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
در رابطه با واکنش انقلابی توده ها
بقیه در صفحه ۲

کودتای خشن دستگاه ولایت



بقیه در صفحه ۴
(COURTESY PHOTO) ارژنگ پامشاد

بازی تمام شد!



بقیه در صفحه ۷

تقی روزبه

کودتای انتخاباتی و پس لرزه های سیاسی آن

بقیه در صفحه ۶
رضا سپیدرودی

چهره عریان فاشیسم در زیرزمین وزارت کشور

بقیه در صفحه ۹
رابرت فیسک گزارشگر مستقل

مراحل اجرایی سناریوی انتخاباتی تا انتصاب احمدی نژاد

بقیه در صفحه ۸

اخبار در صفحات ۱۰ - ۱۱ - ۱۲

بیاری شورش های خود جوش توده های بپا خواسته مردم بشتابیم!



بقیه در صفحه ۵

احمد نوین

غلیان خشمی سی ساله از سینه ملت



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در رابطه با واکنش انقلابی توده ها

بدنبال اعلام نتایج نهایی جعلی انتخابات سراسر تقلب ریاست جمهوری که با فرمان شخص خامنه ای انجام گرفت ؛ خیابان های شهر های مختلف ایران شاهد صحنه های پرشکوهی از برخورد دلاورانه مردم معترض به جان آمده ، با گزرمه های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی بوده است . خیرگزاری های مهم جهان ، وبلاگ ها و ویدئو های بسیاری در یوتوب این صحنه های تاریخی را در معرض دید مردم دنیا قرار داده اند . در این صحنه ها گارد های ضد شورش و نیروهای بسیج و لباس شخصی ها و موتور سوارها با خشونت بی حد و حصری به جان مردم افتاده اند . به پیر و جوان وزن و مرد رحم نمی کنند و تلاش می کنند آنها را زیر مشت و لگد و باتوم له کنند . جوانان اما با قله سنگ و باتوم های به عنینت گرفته شده از گاردهای ضد شورش به جنگ موتور سواران می روند . به غیر از تهران که مرکز اصلی و گسترده مقاومت است و در پهنایی به وسعت میدان تجریش از شمال تا میدان راه آهن در جنوب و نارمک از شرق تا میدان آزادی در غرب شعار " مرگ بر دیکتاتور " در هر کوی برزنی احمدی نژاد و خامنه ای را هدف قرار داده است ، مردم در رشت ، اصفهان ، بجنورد ، خرم آباد ، تبریز ، الیگودرز و زاهدان نیز به اشکال مختلفی به مبارزه با رژیم پرداخته اند .

اعتراض گسترده مردم هر چند به بهانه ی تقلب آشکار در انتخابات و کنار گذاشتن آرای به صندوق ها ریخته شده و اعلام آرای کاملاً جعلی و برنامه ریزی شده ادامه دارد، در واقع اعتراض و مقاومت در برابر کودتای عربی است که توسط دستگاه ولایت و سپاه و بسیج صورت گرفته است. کودتایی که هدف آن یک پارچه کردن بالای رژیم از طریق کنار زدن ناراضیان درون حکومتی و پایان دادن به نقش چند مرکزی روحانیت شیعه است تا از این طریق قدرت سرکوب و مقابله با جنبش های رشد یابنده کارگران، زحمت کشان، زنان، جوانان، خلق های تحت ستم را هر چه بیشتر متمرکز کرده و خود را برای مقابله خشن با شورش های توده ای و مبارزان متشکل مردمی آماده سازند . دستگاه ولایت و ارگان ها و نهاد های سرکوب حامی آن به خوبی می دانند که بر آتش فشانگی از خشم توده ای نشسته اند. آرای اعتراضی مردمی که کاندیدای ولی فقیه را به خارج از دایره بازی پرتاب کردند و صحنه انتخابات کاملاً کنترل شده را به گونه ای عوض کردند که دستگاه ولایت مجبور شد حتی به نتایج این بازی طراحی شده نیز تن در ندهد، بیان گر ظرفیت اعتراضی مردمی است که از بیکاری، گرانی، تورم لجام گسیخته، فقر رفته یابنده و رشد شتابان اختلاف طبقاتی در جامعه به تنگ آمده اند .

جمهوریت در نظام ولایت فقیه تنها به دلیل خالی نبودن عریضه است . اصل جمهوریت برای اعمال اراده مردم نیست . این نظام بر اساس نظر نهایی ولی فقیه تنظیم گشته است . ولی فقیه می تواند بر خلاف نظر لوایح تصویب شده در مجلس اسلامی و رئیس جمهور هر تصمیمی را که صلاح می داند بگیرد . می تواند یکشنبه رئیس جمهور را خلع کند . همانگونه که خمینی بنی صدر را خلع کرد . میتواند در عرض چند ساعت فرمان قتل هزاران زندانی سیاسی را بدون حق داشتن وکیل صادر کند . همانگونه که

خمینی در مورد زندانیان سال ۶۷ عمل کرد . در رژیم اسلامی حتی قانون اساسی خود ساخته، توسط ولی فقیه نادیده گرفته می شود . بنابر این جمهوریت در این نظام برخلاف تعاریف مرسوم حتی در ظاهر نیز رعایت نمی شود . رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدای سرکار آمدن در سال ۱۳۵۷ با دروغ و تقلب سعی کرده رقابیش را از سر راه بردارد . از همان اولین به اصطلاح انتخاباتشان در سال ۱۳۵۸ که مردم را بر سر دوراهی سلطنت با جمهوری اسلامی قرار دادند تا امروز که چهار کاندید را پس از غربال کردن های متعدد جلوی مردم گذاشتند و با دروغ و تقلب و رقم سازی ، کوتوله دنیای سیاست ، احمدی نژاد کریه را به عنوان پیروز انتخابات معرفی کردند ؛ این روند ادامه داشته است .

اما علیرغم آن که قدرت مطلق در جمهوری اسلامی در دستان ولی فقیه متمرکز است و او فرمانده کل قوا نیز هست، با این حال نهادهای انتخابی که روابط میان جناح های مختلف حکومتی را تنظیم می کنند، می توانند در روند حوادث نقش بازی کنند . در زمان هایی که در این نهادها نیروها و جریانات ناهمسو با قدرت مطلقه ی ولی فقیه نقش می یابند، تمرکز قدرت سرکوب حکومتی کاهش می یابد . از همین روست که دستگاه ولایت و متحدینش مجلس ششم و دولت آن زمان را، مجلس و دولت غیرخودی تلقی می کردند و اکنون نیز که نتایج انتخابات اخیر می توانست جناح دیگری را در قوه مجریه به قدرت برساند، در مقابل آن ایستادند و کودتای از پیش طراحی شده را با سرعت و خشونت به اجرا در آوردند . آن ها نگران آن هستند که عدم تمرکز کافی در بالا و پائین آمدن اراده ی سرکوب، می تواند مورد بهره برداری جنبش رو به رشد توده ای قرار گیرد و مقاومت گسترده و توده ای مردم در برابر این کودتا، به دلیل آن است که نیک می دانند یک پارچه شدن قدرت در بالا و تمرکز بی مهار نهادها و ارگان های سرکوب، تا چه حد می تواند خطرناک باشد . به همین دلیل است که اگر مردم در مقاومت ستایش انگیز کنونی خود گاه از پوشش دفاع و حمایت از این فرد و یا آن کاندیدا استفاده می کنند قطعاً به این دلیل هست که می دانند، بدون چنین پوششی ابعاد سرکوب اشکال بسیار خشن تر و بیرحمانه تری به خود خواهد گرفت

سازمان ما همصدا با توده های به خروش آمده ، به مبارزه قهرمانانه آنها درود می فرستد . در این لحظات سخت و طاققت فرسا ما با تمام امکانات خود صدای حق طلبانه آنان را پژواک خواهیم داد . قهرمانی ها و صحنه های حماسی که مردم در جریان مبارزه با ارتجاع حاکم آفرینند بار دیگر ثابت کرد این مردم استحقاق حکومتی دموکراتیک و مردمی را دارند . حکومتی که با سرنگون کردن استبداد دینی - سرمایه داری حاکم و با شرکت وسیع توده مردم و در نظر گرفتن آرای واقعی آنها جامعه ای نوین برای رشد استعداد ها و تنظیم عادلانه ثروت خلق کند . در این لحظات حساس یورش دیکتاتوری حاکم به دستاوردهای جنبش ضروری است با ماندن در خیابان ها و ادامه حرکت های اعتراضی و اعتصابی دامنه جنبش را هرچه گسترده کرده ، رژیم را به عقب نشینی وادار کنیم . ما نیز همصدا با مردم به جان آمده شعار می دهیم : " مرگ بر دیکتاتور "

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۵ خرداد ۱۳۸۸



(COURTESY PHOTO)

جای چپ در صف مقدم جنبش اعتراضی مردم است!



در اعتراض به کودتای انتخاباتی دستگاه ولایت، مردم در مقیاس توده ای به مقاومت برخاسته اند. و گسترش انکار ناپذیر این جنبش اعتراضی در اکثر شهرهای بزرگ و متوسط ایران دارد صحنه سیاسی کشور را به سرعت تغییر می دهد. صرف نظر از هر موضعی که در باره درستی یا نادرستی شرکت در انتخابات داشته ایم، به نظر من چند نکته مهم را نباید نادیده گرفت:

یک - اکثریت بزرگ صاحبان رأی در انتخابات شرکت کردند و از موضع مخالفت با وضع موجود هم شرکت کردند. به عبارت دیگر رأی آنها رأی اعتراضی بود. رأی اعتراضی همه جا و حتی در دموکراسی های جا افتاده غربی، پدیده شناخته شده ای است. رأی اعتراضی ضرورتاً انقلابی (یعنی علیه کل نظام سیاسی حاکم) یا حتی مترقی نیست، ولی قطعاً علیه کسانی است که حکومت را در دست دارند یا مردم آنها را مسبب بدتر شدن حال و روز خودشان می دانند. اما در رژیم های دیکتاتوری، رأی اعتراضی حتی هنگامی که با خوشبینی ساده لوحانه نسبت به کلیت رژیم حاکم همراه است، معمولاً ظرفیت انقلابی دارد. زیرا می تواند رشته های حکومت کنندگان را پنبه کند و مردم را با افق های سیاسی گسترده تر و امکانات لازم برای پیکارهای آگاهانه تر آشنا سازد. اکثریت بزرگ شرکت کنندگان در انتخابات ۲۲ خرداد، در آغاز شاید در پی سرنگونی نظام نبودند، اما خواست های دموکراتیک و کاملاً برحقی دارند که دست یابی به آنها در جمهوری اسلامی از محالات است؛ شاید آنها امید ساده لوحانه ای به برآورده شدن خواست های شان در جمهوری اسلامی داشتند، اما از سر استیصال به دم دست ترین و نقد ترین وسیله اعتراض روی آورده بودند؛ ممکن است آنها هنوز هم به موسوی ها و کروبی ها و خاتمی ها خوشبین باشند، اما اعتراض و ایستادگی خودشان، به ویژه هنگامی که دامنه توده ای پیدا می کند، می تواند معجزه ها بیافریند.

دو - گسترش حرکت های اعتراضی زیر پرچم حمایت از اصلاحات طلبان حکومتی ضرورتاً نقطه ضعف این حرکت ها نیست، یا لااقل در حال حاضر چنین نیست. زیرا جنبش اعتراضی از این طریق می تواند در عمل به نوعی مصونیت دست یابد که برای مخالفان نظام وجود ندارد. و حیاتی ترین چیزی که حرکت های مردمی نقداً نیاز دارند، امکان تداوم در مقیاس توده ای است، نه ضرورتاً شعارهای رادیکال. بعلاوه بسیار مهم است که جنبش اعتراضی مردم پیش از محکم کردن زمین زیر پایش، با اراده یک پارچه حکومت کنندگان روبرو نشود. اقدامات مستقل توده ای مردم همه جا معمولاً با اعتراضاتی شروع شده اند که با استفاده از شکاف های موجود میان بالایی ها مجال فوران یافتن به بیرون پیدا کرده اند. در هر حال، آنچه می تواند ناممکن های سیاسی دوره های عادی را به ممکن تبدیل کند، بی تردید، تداوم جنبش اعتراضی توده ای مردم است؛ از این طریق است که مردم می توانند روی پای خود بایستند، آگاهی سیاسی خود را در مقیاس توده ای بالا ببرند، ارتباطات لازم برای سازمانیابی مستقل برقرار کنند، و خواست ها و شعارهای مستقل خود را پیش بکشند.

سه - دستور خامنه ای برای بررسی شکایت کاندیداهای اصلاح طلب، بی تردید، حقه ای برای وقت کشی و مهار حرکت های مردم است، اما خود همین کار ممکن است فرصتی برای تداوم اعتراضات توده ای به

وجود بیاورد. مسأله مهم این است که مردم به خانه های شان نروند و حالت فوق العاده کنونی ادامه یابد. خطر بزرگ این است که دستگاه ولایت حرکت را به خون بکشد و اصلاح طلبان از ترس رادیکالیزه شدن جنبش خود را کنار بکشند و عملاً سرکوب جنبش را آسان تر و کم هزینه تر سازند. بهترین راه مقابله با این خطر در شرایط کنونی تأکید بر شیوه های مسالمت آمیز اعتراض و اجتناب از خشونت است. حالا شرایط بسیار مساعدی برای به کارگیری شیوه های شناخته شده نافرمانی مدنی وجود دارد. در نافرمانی مدنی برتری عددی و ایستادگی مردم است که قدرت آتش و برتری سازمانی نیروهای سرکوب را خنثی می کند. آن اصل معروف نافرمانی مدنی را نباید فراموش کنیم که: همه را نمی توان کشت، همه را نمی توان به زندان برد. ایستادگی توده ای مسالمت آمیز است که می تواند، دست کم در شرایط کنونی، حقانیت و برتری اخلاقی جنبش اعتراضی را در معرض داوری همه مردم قرار بدهد، شکاف در میان حکومت کنندگان را عمیق تر سازد و حتی در میان نیروهای مسلح تردید و آشفتگی بپراکند.

چهار - باندهای طرفدار احمدی نژاد می کوشند با شعارهای عوامفریبانه مستضعف نوازی در جنبش اعتراضی مردم شکاف و آشفتگی ایجاد کنند. محکم ترین تودهنی به آنها، فعال تر شدن بخش های آگاه و پیشرو کارگران و زحمتکشان در صفوف جنبش اعتراضی کنونی است. آتی ترین و حیاتی ترین وظیفه فعالان چپ در شرایط کنونی، پیوند زدن مبارزات و اعتراضات اقتصادی و صنفی کارگران با جنبش اعتراضی علیه کودتای ولایت فقیه است. از این طریق است که چپ می تواند نقش تاریخی و وظیفه طبقاتی خود را به عهده بگیرد، پیکار های نان و آزادی را به هم گره بزند، و مضمون اجتماعی جنبش اعتراضی علیه کودتای ولایت فقیه را غنا ببخشد.

در هر حال حرکت توده ای عظیمی علیه دیکتاتوری ولایت فقیه آغاز شده که در سی سال گذشته سابقه نداشته است. آینده این جنبش هنوز قابل پیش بینی نیست، ولی ظرفیت انفجاری آن غیر قابل انکار است. جای فعالان چپ در صف مقدم این جنبش بزرگ اعتراضی است. در متن این جنبش اعتراضی است که چپ می تواند به تعهد طبقاتی و رسالت تاریخی خود وفادار بماند. کشیده شدن به دنبال این جنبش خطرناک است، تنها در صفوف مقدم آن می توان برای آزادی و سوسیالیسم جنگید.

محمد رضا شالگونی - ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

راهپیمایی پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان رسول اکرم خیابان نیایش ستارخان به سوی میدان توحید...

روشنگری: خبر دریافتی

در بیمارستان حضرت محمد واقع در شهرآرا ۹ نفر از کشته شدگان دیروز، همین الان در حال تشییع جنازه هستند. راهپیمایی پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان رسول اکرم خیابان نیایش ستارخان به سوی میدان توحید در اعتراض به کشتار دیشب تهران. به گفته یکی از پرستاران دیشب حدود ۳۵ مجروح را به این بیمارستان رسانده اند که ۸ تن از آنان تا امروز صبح کشته شده اند. این راهپیمایی هم اکنون در جریان است. ۲۶ خرداد ۱۳۸۸



کودتای خشن دستگاه ولایت

ارژنگ پامشاد

دستگاه ولایت، در نیمه شب ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، پس آن که رأی مردم، به گسترده ترین شکل ممکن، کاندیدای مورد نظرشان را، به زیر کشید، سناریوی از پیش تعیین شده ی کودتا را به اجرا درآورد. دامنه ی وحشت ولی فقیه و فرماندهان سپاه و ارتش از مردم و استفاده ی آن ها از شکافی که دربالا ایجاد شده بود، به حدی بود که در سناریوی از پیش تنظیم شده شان، شبانه طرح کودتای غافلگیرکننده و سرکوب ضربتی را به اجرا درآوردند. حتی حاضر نشدند یک هفته صبر کنند و با کشاندن انتخابات به دور دوم، کاندیدای خود را از صندوق ها بیرون آورند. آن ها با زمختی بی حد و حصری، در نیمه شب ۲۲ خرداد، از طریق رسانه های وابسته به سپاه و دولت نظامی - امنیتی، مثل خبرگزاری فارس، ایرنا و پرس تی وی، پیروزی ۶۵ درصدی احمدی نژاد را اعلام کردند. حتی حاضر نبودند تا صبح روز بعد صبر کرده و روال طبیعی و تانکونی به اصطلاح شمارش آراء توسط وزارت کشور انجام گیرد.

کودتا چگونه برنامه ریزی شد؟

تلاش برای اجرای کودتا و یک دست کردن بالای رژیم و کنار گذاشتن بخشی از وابستگان حکومت، از مدت ها قبل، دقیقاً برنامه ریزی شده بود. فشار به محمدخانی، برای کنار رفتن از کاندیداتوری ریاست جمهوری به این دلیل انجام گرفت تا از قطبی شدن انتخابات جلوگیری شود و عنصر غافلگیری به پایین ترین حد خود برسد. پذیرش کاندیداتوری میرحسین موسوی، هم به این علت انجام گرفته بود که تصور می کردند او در مقابل احمدی نژاد شانس کمتری برای پیروزی دارد. از همین رو، سیمای جمهوری اسلامی با راه اندازی مناظره های تلویزیونی تلاش کرد تا حضور حداکثری در انتخابات بوجود آید. باز کردن فضای سیاسی و مطبوعاتی در دوره مبارزه انتخاباتی در همین راستا انجام گرفت. قصد آن ها این بود که از این طریق، موضوع مشروعیت نظام را در بالاترین حد خود بیان کنند. کاری که سیمای جمهوری اسلامی در روز انتخابات با دقت و وسواس ویژه ای دنبال کرد. اما نارضایتی گسترده ی توده ای، زمینه ای به وجود آورد تا مردم بتوانند از فرصت ایجاد شده، یک بار دیگر با قدرت تمام استفاد کنند. همین وضعیت باعث شد تا موسوی به رقیب جدی احمدی نژاد تبدیل شود. امری که نگرانی دستگاه ولایت را دو چندان کرد. شاید برای دستگاه ولایت، خوشایند تر بود که با شکست طبیعی کاندیداها از احمدی نژاد، طرح یک دست سازی بالای رژیم را با صبر و حوصله ی بیشتری به پیش برد. اما دخالت میلیونی مردم، آن ها را مجبور کرد که طرح خود را به شکل کودتای خشن و ضربتی به اجرا درآورند.

کودتا چه اهدافی را دنبال می کند؟

جوهره طرح کودتای دستگاه ولایت در اتحاد با ارتش و سپاه، حذف کامل نارضایان دورنی رژیم و حتی پایان دادن به نقش چند مرکزی روحانیت، و کامل کردن قدرت نظامیان و سپاهیان در حمایت کامل دستگاه ولایت فقیه است. وقتی کودتای انتخاباتی در چهار سال پیش، به اجرا در آمد و محمود احمدی نژاد بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زد، نشانه های اولیه این طرح آشکار شده بود. در همین راستا کنار گذاشتن انتخابات به عنوان عنصر تنظیم توازن قوای دورنی رژیم و تبدیل آن به انتخابات های فرمایشی، شبیه انتخابات های ملوکانه شاه و یا انتخابات های مبارکی دولت مصر و یا پادشاهان عربی در دستور قرار گرفته است. دستگاه ولایت و متحدینش به این نتیجه رسیده اند که امکان استفاده ی

مردم از حربه انتخابات را باید از میان برد. نقض خشن آرای مردم و کنار گذاشتن کامل آن و اعلام آراء آن گونه که به حربه ای برای تحقیر و تحریک گرایشات مختلف درونی تبدیل شود، و حمایت آشکار و قاطع خامنه ای از این اقدام، بیان پایان تحمل دورنی رژیم و آغاز حذف بخشی از وابستگان به حکومت اسلامی است. کودتای خشن پامدادان ۲۳ خرداد، کودتایی است علیه مردم و برای درهم شکستن قدرت مقاومت آن ها. برای رسیدن به این هدف، در اولین گام، کنار زدن آن بخش از حکومت که در راه یک دست کردن جمهوری اسلامی مزاحمت ایجاد می کنند، نیز در دستور قرار گرفته است. این کودتا، با هدف بیرون راندن اصلاح طلبان و همه آن هایی که مانع بسته شدن شکاف های دورنی رژیم می شوند، انجام گرفته است تا قدرت سرکوب مردم را به بالاترین حد خود برساند. کودتاچیان با دستگیری وسیع فعالان سیاسی و بسیاری از رهبران احزاب و جریانات اصلاح طلب، تلاش می کنند برنامه های خود را به پیش برند. در این میان، در هم شکستن مقاومت رفسنجانی امری است که در دستور قرار گرفته است. دستگاه ولایت نیک می داند تنها کسی که توان و قدرت ایستادگی در مقابل ولی فقیه و اقدامات او را دارد، شخص رفسنجانی است. بی جهت نبود که احمدی نژاد در مناظره تلویزیونی خود آن چنان بی پروا او و خاندانش را به باد انتقاد گرفت و مفسد اقتصادی معرفی کرد. احمدی نژاد همین موضوع را در نطق انتصاب خود به عنوان رئیس جمهور کودتا در شب ۲۳ خرداد نیز تکرار کرد و قول داد که این ماجرا را تا به آخر ادامه دهد. هدف گرفتن هاشمی رفسنجانی و مفسد خواندن او در حالی انجام می گیرد که تمامی رهبران رژیم تا مغز استخوان در فساد اقتصادی غرق شده اند و اموال عمومی مردم را به کیسه های خود و وابستگانشان سرازیر کرده اند. ولی جدا کردن رفسنجانی هدف ویژه ای را دنبال می کند.

چرا دستگاه ولایت، راه کودتا را در پیش گرفت؟

اولین عامل در این تصمیم گیری، شناخت دقیق آن ها از میزان نارضایتی توده ای است. آن ها که با سیاست های خانه ویران کن خود، اقتصاد مملکت را درهم شکسته اند و دامنه ی فقر را گسترش داده اند و دلارهای نفتی را به اشکال گوناگون حیف و میل کرده اند، از شورش توده های محروم که زیر بار گرانی، تورم، بیکاری و گسترش فاصله طبقاتی کمر خرم کرده اند، به شدت نگرانند. به دلیل همین نگرانی شدید است که حرکت های توده ای را با خشونت تمام سرکوب می کنند. رهبران جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و زحمتکشان را به بند می کشند و مانع شکل گیری تشکل های توده ای می شوند. ارزیابی آن ها از ابعاد نارضایتی توده ای، به واقعیت بسیار نزدیک است. از همین رو، آن ها آراء مردم در ۲۲ خرداد و "نه" با شوکشان به دستگاه ولایت و کاندیدای ولی فقیه را دریافتند و چنین گستاخانه به این آراء دهن کجی کردند و برای دفاع از این دهن کجی آشکار، در سطح شهرها حکومت نظامی اعلام کرده اند؛ مردم کوچ و خیابان را به زیر باطوم گرفته اند؛ هر کس را که می توانند دستگیر می کنند و به شدت کتک می زنند و تلاش می کنند فضای رعب و وحشت ایجاد کنند. بنابراین، برای درهم شکستن حرکت های مردمی، برای جلوگیری از شورش های توده ای و برای بالا بردن قدرت سرکوب و مهار اقدامات کارگران و زحمت کشان، به یک پارچه کردن بالائی ها روی آورده اند. از همین روست که، وظیفه ی اصلی سپاه پاسداران را با تاکید بیشتری حفظ امنیت داخلی تعریف کرده اند. درست است که سپاه پاسداران از بدو تأسیس خود، نهادی برای حفظ نظام اسلامی تعریف شده است اما نقش و وزن کنونی آن در کنترل امنیت داخلی، بیابانگر وحشت آن ها از جنبش های توده ای است. در این میان، بسیج نیز که زیر مجموعه ی سپاه و زیر فرماندهی آن قرار دارد، نقش ویژه ای بازی می کند. این نیروی چند میلیونی، ابزار جدی کودتاست. این نیرو هم می تواند به عنوان سپاهی لشکر در حرکت های سیاسی وارد عمل شود و هم در هنگامه ی شورش های توده ای به عنوان بازوی سرکوب اقدام کند و محلات را جولانگاه خود سازد.

دومین عامل در این تصمیم گیری، سیاست های جدید دولت آمریکاست. در واقع، دستگاه ولایت بسیار خوشحال می شد اگر راه جورج بوش در منطقه تداوم می یافت و سیاست دولت آمریکا در قبال ایران و خاورمیانه تغییر نمی کرد. آن ها به اتکای سیاست های ماجراجویانه ی دولت بوش توانستند فضای کشور را نظامی - امنیتی کرده؛ فرماندهی خودمختار استانی بوجود آورند؛ اقتصاد کشور را نظامی کرده و بودجه را بدون حساب و کتاب در اختیار نهادهای نظامی و سپاه و بسیج قرار دهند. اما تغییر سیاست آمریکا، بسیاری از توجیهات آن ها را در هم ریخته و ممکن است در هم ریختن این توجیهات، مورد بهره برداری جنبش توده ای و مردم نارضای قرار گیرد. بی جهت نیست که هر حرکت مردمی را به

خارج از کشور نسبت می دهند و آن را جزئی از سناریوهای کودتاهای مخملی می نامند. آن هم درست در زمانی که خود کودتای سپاه را تدارک دیده و آن را به اجرا نیز درآورده اند.

سومین عامل این است که ارزیابی دستگاه ولایت بر این استوار بود که با توجه به تغییر سیاست های دولت آمریکا، و اوج گیری بحران اقتصادی، بخشی از حکومت و بویژه اصلاح طلبان می توانند به عنوان نیروی مزاحم در راه اهداف دستگاه ولایت عمل کنند. از همین رو، احمدی نژاد در نطق انتصاب خود در ۲۳ خرداد، اصلاح طلبان و مردم را متهم به همسویی با نیروهای خارجی و بویژه آمریکا کرد که در انتلافی گسترده و بر اساس سناریوی از پیش تعیین شده، علیه دستگاه ولایت وارد عمل شده اند. دستگیری های وسیع فعالان سیاسی این طیف از همین درک ناشی می شود. اگر دستگاه ولایت در دوم خرداد، در مقابل رای مردم غافلگیر شد، رأی ای که اصلاح طلبان را به قدرت پرتاب کرد، اما در دور بقیه : در صفحه ۸

بیاری شورش های خود جوش توده های پیا خواسته مردم بشتابیم!

احمد نوین

رژیم جمهوری اسلامی ایران در تمام دوران خونبار حاکمیت اش نشان داده است که برای حق رای مردم و خواست های بحق آنها، پیشروی ارزش قائل نیست. این امر در مورد همه جناحهای رنگارنگ رژیم صادق است. تعهد خدشه ناپذیر تمامی مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی به اصل ولایت فقیه بعنوان یکی از ارکان این نظام، گواه این حکم است.

همه جناح ها و صاحب منصبان این رژیم برای فریب مردم ، تا آنجا که حفظ و گسترش منافعتشان به مخاطره نیافتد، تلاش مینمایند در موقعیت های مختلف خود را خدمتگزار مردم نشان دهند . اما، بمجردی که مردم حق طلب برای دستیابی به حقوقشان در مقابل این رژیم سفاک، بطور مستقل صف آرایی مینمایند، همه مقامات نظام به آنها پشت میکنند. آنها را تنها میگذارند و ندا سر میدهند که به حفظ نظام و مقام خدانی ولی فقیه خود را متعهد میدانند.

محمود احمدی نژاد، خود را مخلص مردم معرفی مینماید. اعلام میکند که آزادی در ایران نزدیک به مرز مطلق وجود دارد، اما، در پاسخ به اعتراضات گسترده مردم به تقلبات انتخاباتی، نیروهای ضد شور پلیس را برای قلع و قمع مردم معترض به خیابانها و میدانی شهر روانه میکند. این سرکوبگری نه تنها شامل این مورد، که به شهادت چهار سال گذشته، در هر مورد دیگری نیز پاسخ او " ولی فقیه به خواست های بحق مردم - از جمله حق ایجاد تشکل مستقل مردمی و حق اعتصاب و ... - بوده است. لیست طولی قربانیان پیگرد ها، دستگیری ها، زندان ها، شکنجه ها و اعدام ها ، اثبات این مدعا است.

قیل از او نیز در هشت سال " زمامداری " محمد خاتمی، کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان، نویسندگان و خبرنگاران، ملیت های تحت ستم در ایران و شاهد بوده اند که سهم آنان در جمهوری اسلامی ایران، بی حقی، سرکوب، زندان، قتل و شکنجه بوده است. مردم و بویژه دانشجویان ایران فراموش نکرده اند که قتل های زنجیره ای در دوران محمد خاتمی اتفاق افتاد و او و ماموران حکومتی اش جهت امتیاز گیری از رقیب، تنها با افساء قطره چکانی برخی از جنایات دهشتناک آن دوره و نسبت دادن آن جنایات به " ماموران خودسر " ، پرده ساتری بر همه آن جنایات کشیدند و عملاً آمران و عاملان آن جنایات را در حیات خلوت خانه اسرار شان، پناه دادند.

بیاد بیاوریم که شخص محمد خاتمی پس از سرکوب شورش حق طلبانه دانشجویان در تیرماه 1378 در دانشگاه تهران حضور یافت و با دفاع از ولی فقیه و تجلیل از اسدالله لاجوردی جلال اوین، بی ردا و پوشش نشان داد که در منازعه مابین مردم و نظام، در کدام طرف ایستاده است. اصلاح طلبان در هشت سال " زمامداری " خاتمی نشان دادند که استفاده ابزاری آنان از ناراضیاتی های مردم، از طرفی در خدمت بهدر دادن پتانسیل مبارزاتی مردم حق طلب و از طرف دیگر در خدمت چانه زنی با بالایی ها برای کسب منافع جناح خودشان است.

برای جلوگیری از طولانی شدن این نوشته، از توضیحات بیشتر در رابطه با عملکردهای چپاول گرانه، سرکوب گرانه و فساد های تک، تک عناصر و جناح های رژیم جمهوری اسلامی خودداری میکنم. تنها یادآوری میکنم که هم اکنون نیز که مردم ناراضی در پایتخت و دیگر شهرهای ایران به خیابانها آمده اند تا با اعتراض به مخدوش بودن "انتخابات" اخیر ریاست

جمهوری ، خشم و نفرت خویش را نسبت به دخالت های پایان ناپذیر نظام ولایت فقیه و تجاوز به حق آراء عمومی را با صدای بلند بگوش جهانیان برسانند و سد راه پیشروی های ولی فقیه شوند ، میر حسین موسوی دو روز پس از اعلام نتایج فضااحت بار "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران، با انتشار بیانیته ای، اعلام داشته است که ؛ " ما به..... نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن پایبندیم . اصل ولایت فقیه را یکی از ارکان این نظام می دانیم. " . امری که در مورد همه رهبران جناح اصلاح طلب حکومتی صادق است. میرحسین موسوی در دوران نخست وزیری اش با تانید کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ سرسپردگی اش به نظام ولایت فقیه را بگونه ای خونبار به اثبات رسانیده بود. گذشته از بازی ها و مانورهای مردم فریبانه همه جناح های حکومتی، مردم و بویژه جوانان، این روزها در اعتراض به خفقان مستمر و فزاینده در کشور و دفاع از حق رای همگانی - بدون سانسور و تقلب - به میدان و خیابانهای شهرها آمده اند تا خشم و نفرتشان را از این رژیم جهنمی، به نمایش بگذارند.

آنچه که مردم ایران و جهان شاهد آن هستند، بنوعی بزرگترین بحران حکومتی جمهوری اسلامی ایران در چند دهه گذشته، نام گرفته است. بنظر میرسد که اکنون بالائی ها نمیتوانند همانند گذشته حکومت نمایند. حتی بگونه ای نسبتاً محسوس در دوران مبارزات " انتخاباتی"، نتوانستند از تقابل خشن و ایراد اتهامات شکننده در رابطه با یکدیگر، خود داری نمایند.

بخشی از پانینی ها نیز پس از نمایش انتخابات ، با استفاده از شرایط ایجاد شده با شورش های خیابانی تلاش میکنند نشان دهند که در صورت امکان ، مایل نیستند که همانند سابق حکومت کنندگان را تحمل نمایند.

اکنون در مقابل چشمان حیرت زده مردم جهان، بخش بسیار قابل توجهی از شهروندان ایران با شعار های ضد دیکتاتوری و مقایسه رژیم ولایت فقیه و طالبان افغانستان، به میدان آمده اند که به روشنی نشان دهند که پای بند به شریعت بنیاد گرا و اصل بنیادی نظام (ولایت فقیه) نیستند. امری که در گذشته در ابعادی کوچکتر نیز اتفاق افتاده بود.

این بخش بسیار قابل توجه از شهروندان ایران، با اعتراضاتشان، انگشت اتهام در رابطه با فلاکت عمومی ذلت آوری که حال و آینده آنان را در چنگال سپاه خود به اسارت گرفته است ، متوجه رژیم جمهوری اسلامی نموده اند. بعلاوه زنان و دختران بسیاری با ظاهر شدن بگونه ای متفاوت در اعتراضات اخیر، به گونه ای نمایشی، نفرتشان را به آپارتاید جنسی حاکم در جمهوری اسلامی، نشان داده اند.

در روزهای اخیر شاهدیم که یک بار دیگر، احساس بی حقی و فریب خوردگی، بخش قابل توجه ای از مردم و بویژه جوانان را به شورش واداشته است. اکنون هر تکانی که از کنترل حکومتیان و جناح های رنگارنگ نظام خارج شود میتواند همانند جرقه ای در انبار باروت، کنترل جامعه از طرف رژیم را در معرض خطر جدی قرار دهد.

رهبر نظام علی خامنه ای و رهبران جناح های رنگارنگ رژیم، میدانند که در زمینه عمومی نفرت و برانگیختگی وسیع مردم، تداوم و گسترش مبارزات کنونی مردم و پیوستن بخش های سازمان داده شده مبارزات مردم - بویژه مبارزات کارگران و زنان - میتواند کنترل اوضاع و برنامه های از قبل طراحی شده رژیم را درهم ریخته و کار حکومتیان را به درماندگی بکشاند. روحیه ستیزه جوینه مردم معترض در چند روز گذشته، و استمرار این اعتراضات ، نشان از توان قابل انفجار این اعتراضات دارد.

رژیم سرکوبگر ولی فقیه، از جانبی مطمئن است که در شرایط حساس که احساس شود شورش های اعتراضی اخیر در حال تعالی است، بخش های دیگر بورژوازی با گرفتن وعده های مساعد در شراکت بیشتر آنان در چپاول مردم و ثروت های مردمی، بیاریش خواهند شتافت و از جانب دیگر از هم اکنون با اعزام نیروهای سرکوبگر امنیتی اش، با حمله به مردم معترض، میخواد پس از قلع و قمع عناصر رادیکال و سازمانده مردمی شورش های اخیر، آنان را از مبارزه نا امید کرده و بخانه هایشان باز گرداند.

در شرایط فعلی، کشور ما در موقعیتی ویژه ای قرار گرفته است. اگر اقدامات مستقیم توده ای موفق شود رژیم را به عقب نشینی هانی وادار نماید، زمینه های مساعدی برای پیش روی های رادیکال مردم حق طلب برای دفاع از خواست های بلافاصله شان میتواند به بوجود آید.

اگر این مهم هم زمان با گسترش سازماندهی مستقل مردم تحقق یابد، اعتماد به نفس مردم در امید داشتن به پیشروی های آتی ، میتواند به یک واقعیت ملموس تبدیل شود. این همه میتواند بر شجاعت مردم در رویارویی های مستقیم با رژیم در آینده بیفزاید. امری که در مسیرسنگونی جمهوری اسلامی ایران از شروط مهم و لازم است.

برای اینکه رژیم موفق نشود که تعرض جدید مردم را بشکست بکشاند، لازم است که نیروی توده ای گسترده تر در مقابل نیروهای سرکوبگر و مسلح رژیم به میدان بیایند و بعلاوه دامنه این اعتراضات (لااقل) در شهرهای ایران گستردگی بیشتری بیاید. در صورتی که این امر تحقق یابد، از طرفی نیروی مردمی در مقابل تعرضات نیروهای سرکوبگر رژیم، توان ایستادگی شان بمراتب افزایش خواهد یافت و از طرف دیگر ناتوانی مزدوران حکومتی در به عقب راندن مردم حق طلب منجر به تشدید شکاف در بالایی ها و جناح های رنگارنگ رژیم خواهد شد. امری که در تضعیف رژیم، و بهم زدن تعادل موجود میتواند نقش موثری داشته باشد. جهت توان بخشی به نیروهای معترض مردمی در شرایط فعلی و جلب اقبال بخش های گسترده تر مردم به این مقاومت، لازم است که جنبش توده ای کنونی با طرح خواست های مشخص و سازماندهی حول این خواست ها، سدی مقاوم در مقابل یورش های رژیم ایجاد نماید. رژیم در طول حیات بقیه: در صفحه ۷

کودتای انتخاباتی و پس لرزه های سیاسی آن

رضا سپیدرودی

سناریویی که ائتلاف دستگاه ولایت و گروه بندی امنیتی نظامی حاکم (با به اختصار "حزب پادگانی") در انتخابات ۲۲ خرداد ماه به اجرا نهاد به اعتراضات خودانگیخته مردم در تهران و شهرستان ها علیه تقلب انتخاباتی انجامیده است. خطوط اصلی این سناریو عبارت است از: گشایش عمده فضای فضا برای طرح و بیان برخی از مطالبات جوانان و زنان در دو هفته آخر منتهی به زمان رای گیری، سکوت در برابر جریان مصادره بخشی از مطالبات دموکراتیک مردم از سوی رقبای انتخاباتی احمدی نژاد، سازماندهی مناظره های تلویزیونی میان نامزدها و حملات صریح و آشکار احمدی نژاد به پشتوانه های مالی، سیاسی، تبلیغاتی رقیبانش و از این طریق قطعی کردن فضای انتخابات و تحریک افکار عمومی برای حضور در پای صندوق های رای.

در راستای اجرای همین سناریو درست در حالی که مردم با همه وسایل و ابزارهای رژیم برای حضور در پای صندوق های رای تحریک شده بودند، فرماندهان سپاه علیه احتمال شورش و "انقلاب مخملی" هشدار دادند، خامنه ای نیز در جریان رای دادن خواستار شد که "مردم تلاش بدخواهان برای ایجاد تشنج را ناکام بگذارند"، سرویس پیامک ها که وسیله مهم اطلاع رسانی سریع بود بسته شد، مانور نیروهای امنیتی و انتظامی در تهران آغاز شد، ستادهای انتخاباتی رقبای احمدی نژاد محاصره شدند، هر نوع اجتماع و گردهم آیی از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی ممنوع شد، سایت های اینترنتی رقبای احمدی نژاد به سرعت فیلتر شدند، به جای شروع شمارش آرا در نخستین ساعات روز شنبه، شبانه و دو ساعت پس از پایان رای گیری ها ارانه آمارهای دروغ که از پیروزی غیر قابل تصور احمدی نژاد حکایت داشت از سوی وزارت کشور شروع شد و خبرگزاری های وابسته به گروه بندی امنیتی / نظامی نیز وسیعا به انتشار این آمارهای دروغ رو آوردند. به طور خلاصه:

تحریک مردم به شرکت گسترده در انتخابات از یکسو و مصادره سریع و شبانه آرای مردم به نفع نامزد اصلی گروه بندی امنیتی / نظامی، یعنی احمدی نژاد و برقراری نوعی حکومت نظامی اعلام نشده برای مقابله با اعتراضات مردمی، از دیگر سو، اصلی ترین خطوط سناریوی ائتلاف دستگاه ولایی و گروه بندی امنیتی/نظامی در انتخابات ۲۲ خرداد است. در واکنش به این سناریو که عملا نام دیگری جز کودتا بر آن نمی توان نهاد، جوانان به خیابان ریخته اند و به سلب حشون حق رای و مصادره آرای شان اعتراض می کنند.

آرای اعتراضی و ناراضی توده ای

شرکت کنندگان در انتخابات از طریق رای دادن به نامزدی از میان تایید صلاحیت شده گان شورای نگهبان که علیرغم سابقه اش با مخالفت فرماندهان سپاه و امنیتی های حاکم روبرو شده بود، قبل از هر چیز به همین فرماندهان سرکوبگر و به دستگاه ولایی همدست آنها و چهار سال فاجعه ریاست جمهوری احمدی نژاد "نه" گفتند و از این جهت علیرغم تفاوت آشکار روش، در ضربه زدن به بخشی از ممانع تحول دموکراتیک در کشور تا حدودی با تحریم کنندگان همسو شدند. مردم عمیقا از اوضاع کنونی ناراضی اند و فقر و فلاکت و تورم تحمل ناپذیر همراه با سرکوب های دوره ای که دستاوردهای واقعی دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد است را بر نمی تابند و قابل درک است که در غیاب تشکل های مستقل توده ای؛ سازمان نیافتگی و فقدان اپوزیسیون نیرومند و منسجم، در انتخابات اخیر سعی کردند شکاف های درون حاکمیت را در خدمت گشایش

فضا و قابل تحمل تر کردن زندگی جهانی ای که جمهوری اسلامی به آنان تحمیل کرده است به کار بگیرند و ناراضی شان را بار دیگر از طریق دست رد گذاشتن بر سینه نامزد اصلی دستگاه ولایت مطلقه فقیه و حزب پادگانی اش بیان کنند. همین ناراضی است که بلافاصله بعد از پایان رای گیری ها به شکل شورش های خودجوش خیابانی و اعتراض به تقلب و دستکاری در آرا و خواست ابطال انتخابات بروز یافته است. ناراضی های گسترده و عمیق اکثریت عظیم مردم ایران است که پس لرزه های کودتای انتخاباتی دستگاه ولایی را شکل داده است و کام کودتاگران را زهر آگین و ترسند آنان در نوشتن آرای اعتراضی به حساب مشروعیت نظام را تا حدودی خنثی کرده است. بدون درک این ناراضی و بدون توجه به عمق آن، شورش ها و اعتراضات خودانگیخته کنونی غیرقابل درک خواهد بود. ناگفته روشن است که این اعتراضات نیازمند مشارکت فعالانه و حمایت هر چه گسترده تر و همه جانبه تر همه مدافعان آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که به حق رای عمومی و حق مردم در تعیین سرنوشت شان باور دارند و حمایت از این حق را به بسترها و زمینه های شکل گیری اعتراض علیه استبداد حاکم و یا شکل تبلور آن مشروط نمی دانند.

در کل جریان انتخابات کنونی آن چه بیش از هر چیز در لحظه حاضر حائز اهمیت است نه همسویی موقت و محدود بخشی از قربانیان جناحی این کودتا با اعتراضات مردم که همین سرشت اعتراضی و ناراضی عمیق مردم از دولت، نظام و سیاست های آن است. با این کودتا و دستگیری های پس از آن احتمال تصفیه وسیع، گسترده و خونین بخشی از نیروهای منتقد و رقیب در درون و حاشیه رژیم بیش از پیش واقعی است و ممکن است پلورالیسم درونی رژیم که حتی دوره نخست ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز نتوانست به موجودیت آن نقطه پایان بگذارد و به منابه شکاف میان جناح های رژیم به شکلی بارز باقی ماند این بار برچیده شود. وحشت از تصفیه خونین است که بخشی از قربانیان جناحی این کودتا را نقدا به سمت بهره برداری محدود از اعتراضات مردم که در اثر تقلب گستاخانه و دست کاری آشکار آرا از سوی مجریان انتخابات برانگیخته شده اند، می کشاند. با این حال آن عنصر اساسی و حیاتی که هر ازگاهی با انفجار پیش بینی ناپذیر خود زمین لرزه های سیاسی در زمین سیاست ایران پدید می آورد، همین اکثریت عظیم مردم ناراضی هستند. این اکثریت عظیم تا زمانی که نتواند خود را بر محور مطالبات واقعی خویش سازمان دهد و با پرچم مطالباتی خویش وارد میدان شود، تا زمانی که نتواند از تحریف شکل اعتراض خویش رها شود، ممکن است بارها به امید آب به سراب گرفتار آید و بارها به شکاف ها و روزنه هایی پناه برد که گشایشی حقیقی به همراه نداشته باشد. سازماندهی این قدرت عظیم اعتراضی و اتکا به آن به مثابه تکیه گاه اصلی جنبش سرنگونی استبداد حاکم، اصلی ترین و میرم ترین وظیفه نیروهای چپ و سوسیالیست است.

بقیه: چهره عریان فاشیسم در زیرزمین وزارت کشور

به گاز اشک آور بسته بودند. وقتی من به آنجا رسیدم هنوز آنها در حال ذوب شدن بودند. یکی از کارمندان دفتر به من گفت، لطفا برو و گرنه آنها بر می گردند.

شب گذشته آژانس خبری ایران اعلام کرد از آنجا که دور دوم انتخابات نخواهد بود، ویزای روزنامه نگاران خارجی تمدید نخواهد شد. ما که می دانیم علت چیست و هم چنین انبوه مردمی که حکومت روز جمعه آنها را به خاطر رای دادن وطن پرست خوانده و ستود، و روز شنبه زیر حملات حکومت خودشان قرار گرفتند.

شب گذشته، دموکر- اتور، هنوز ساکت بود، ولی چهره همیشه نیشخند دار او روی پوستهای هوادارانش بلند شد. و تعداد بازهم بیشتری باتون به کار افتاد، و جمعیت بازهم بزرگ تری از زیر ضربات آن می گریختند.

[۱] فیسک در اینجا به صحبت های خود با یک دوست ایرانی می پردازد که مجموعا مربوط است به سیاست رژیم برای ایجاد تضاد بین عدالت و آزادی و رای هایی که احمدی نژاد از این طریق کسب کرده است و به نظر نمی رسد دوست فیسک نگاهی انتقادی به آن داشته باشد یا لااقل مقاله آن را نشان نمی دهد. *منبع

<http://www.independent.co.uk/opinion/commentators/fisk-iran-eruptions-as-voters-back-the-democrator-1704810.html>
۲۴ خرداد ۱۳۸۸



بازی تمام شد!

تقی روزه

در مقابل چشمان بهت زده شهروندان ایران و جهان، نام کاندید نظرکرده خامنه ای و سپاه پاسداران و نهادهای سرکوب و مدافعین آنها با آرائی بیش از دو برابر آراء موسوی از درون جعبه های مارگری بیرون کشیده شد. علیرغم آنکه هر آیه دهنده ای خودکار شخصی به همراه آورده بود، اما آن "خودکار جادویی" کار خود را کرد و نام احمدی نژاد از درون صندوق ها بیرون کشیده شد! رژیم حتی حوصله به مرحله دوم کشیدن شدن "انتخابات" را نداشت و تصمیم گرفت که کار را در همان مرحله اول تمام کند. البته چنین اقدامی که بی شباهت به کودتای انتخاباتی نما عیار نبود، نمی توانست با تقلب های معمول تاکتونی صورت بگیرد. بهمین دلیل با اعلام حالت فوق العاده، یعنی تعطیل پیامک ها که نقش مهمی در سازمان یابی و تبادل اطلاعات مردم در شرایط انحصار رسانه ای داشت، با اعلام مانور اقتدار برای باصطلاح حفظ امنیت آراء و آمادگی برای ممانعت از اعتراضات و شورش های محتمل، و با ممنوع اعلام کردن هرگونه تجمع و تظاهرات و فیلترینگ اکثر سایت ها و رسانه های مخالف دولت، و بالاخره با حمله به ستاد های انتخاباتی کاندید های رقیب احمدی نژاد، کودتای انتخاباتی خود را به انجام رساند و باین ترتیب جامعه رای دهنده را در شوک بزرگی فروبرد! اعلام آمادگی برگزاری جشن پیروزی توسط میرحسین موسوی به یک شوخی تبدیل شد. احساس تلخ بازی خوردن و سیاه شدن یک احساس فراگیر است. و البته در این میان بکارگیری احتمالی ترفندهای نظیر وعده و وعید تشکیل هیأت بررسی محتمل برای شکایات و... و غیره نیز چیزی از واقعیت کودتای صورت گرفته نمی کاهد. و اگر در این میان عاملی بازدارنده و اثرگذار برای برگرداندن اوضاع به سیر عادی وجود داشته باشد جز قیام علیه کودتا و به خیابان ریختن مردم و بازی خوردگان و آنان که آرایشان به دروغ به نام محمود احمدی نژاد خوانده شد وجود ندارد. کودتا را فقط با جنبش ضد کودتا می توان خنثی کرد.

و باین ترتیب در این آزمون بزرگ یک بار دیگر اوین بار با شفافیت بیشتری معلوم شد:

- سپاه که حریفان احمدی نژاد را تهدید کرده بود که اجازه نخواهد داد انقلاب مخملین آنها پیروز شود، دست در دست خامنه ای در حال تدارک باصطلاح پروژه ضد کودتا بود. معلوم شد که آن اعتمادیه نفس کذابی احمدی نژاد و متحدین اش که چشم در چشم مردم دروغ های شاخدار تحویل آنان می دادند و حتی در ایام انتخابات هم از فشاریه کارگران و فعالین و زندانیان سیاسی و بیست روزنامه ها و... دست نمی کشیدند، از کجا آب می خورد.

- که رژیم تحمل رای مردم را حتی اگر در محدوده گزین کاندید تزینی و بدلی خود رژیم فردی هم چون موسوی- در برابر کاندید اصلی را ندارد. - معلوم شد نردبان عروج به قدرت نردبانی نیست که پس از بالا رفتن از آن هم چنان وجود داشته باشد. آن نردبان سالها پیش شکسته و برچیده شد. پس وجود نردبانی از طریق انتخابات در جمهوری اسلامی توهم و دروغی بیش نیست

- معلوم شد که برای میزان تقلب رژیم حد اندازی نیست و این استدلال که با شرکت گسترده می توان جلوی تقلب رژیم را گرفت و با همین شبه استدلال گروه کثیری را به میدان نمایش انتخاباتی کشاندند، نادرست بوده است. آنچه که در دوم خرداد ۷۶ تکرار شد دیگر تکرار شدنی نیست.

معلوم شد که تنها تضمین کننده دموکراسی و آراء مردم، قدرت مردم و سازندگان دموکراسی هستند. و بدون اعمال قدرت جمعی آنها هیچ رژیمی را نمی توان وادار به تمکین در برابر تصمیم مردم کرد.

- معلوم شد که راه پانین کشیدن استبداد و قدرت مستقر، نه از صندوق ها ی رأی تحت کنترل رژیم، بلکه از طریق جنبش های اجتماعی- طبقاتی و از طریق انقلاب مردم می گذرد.

- اکنون زمینه وسیعی برای بوجود آمدن احساس بازی خوردگی، خیانت شدگی و ناامیدی و سرخوردگی ناشی از این کودتای رژیم محل بروز پیدا کرده است و نحوه برخورد با آن مساله مهمی است.

- نباید فراموش کنیم که مبارزت به چنین کودتایی، در عین حال نشان دهنده اوج فروماتنگی رژیم در برابر مردم و میزان تصلب شرانین اوست. در واقع هر چه که امید و توهم به تغییر از درون کم رنگ تر شود، حلقه محاصره جمهوری اسلامی از بیرون تنگ ترمی شود.

- این کودتا شاید به یک تعبیر دومین کودتا پس از کودتای ۲۸ مرداد باشد. و بهمین دلیل یک نقطه عطف تازه ای است در پوست اندازی رژیم و ورود قطعی آن به مرحله نوینی از انحطاط و گندیدگی. زخم عفونت کرده و دردنکی هم چون گیر کردن استخوان در لای زخم رانها می توان با جراحی علاج کرد.

- جنبش تحریم و جنبش های اجتماعی هم اکنون موجود مهمترین اهرمی هستند که رویدادهای جاری حقایق آنها را در پی به لرزشتن تب ۴۰ درجه ای و به پایان رسیدن "مستی توده ای" به اثبات رسانده است. و همین زمینه مثبت و برآمده از آزمون تلخ، بسترمساعدی را برای تقویت آن فراهم ساخته می کند. بی شک در آزمون صورت گرفته موج بزرگی از مردم و بیوزره نسل جدید وارد عرصه سیاست شدند و اکنون یاس و سرخوردگی در آمیخته با خشم در وجود آنان زیاده می کشد. بنابراین مقابله با یاس و سرخوردگی و مدیدن شور و امید و حرکت از طریق بازخوانی آزمون صورت گرفته و گشودن افق های جدیدی برای پیشروی و یافتن راه های تازه دارای اهمیت زیادی است.

- بی شک روسیاهی برای ذغال ماند. به اصلاح طبلان و آنها که جنبش تحریم را تحت فشار قرار داده بودند تا از طریق توب کردن یخ آن و جلب مشارکت آنان به بازی در بساط رژیم، و بیا توهم عروج خود به قدرت، نتوان انتخاباتی رژیم را داغ کنند. اکنون یک بار دیگر معنای سیاست ورزی سترون آنها که گزین میان بدو بدتر بود نشان داده شد.

- مهمترین درس آنکه یک بار دیگر معلوم شد در جمهوری اسلامی حتی برای انجام رفرف هم به انقلاب نیاز هست. در جمهوری اسلامی دهه ۸۰ حتی کسی مانند موسوی نخست وزیر مورد تایید خمینی و دوران جنگ و قتل های دهه ۶۰، منتهم به انجام کودتای مخملین است! باید راه مستقل و متکی بر جنبش های اجتماعی و طبقاتی را با تمامی مشکلاتش فراراه خویش قرار دهیم. و راه رشد و توسعه آنرا با مبارزات مستمر خویش هموار کنیم.

- رژیمی که در اوج انتخابات فعالان کارگری را دستگیر و زندانی و شکنجه می کند معلوم بود که مبنای ماندگاری خود را نه بر مبنای رای که بر پایه های دیگری استوار ساخته است. باین وجود او مبارزت به بازی کثیفی کرد که تنها از دست حکومت های به غایت عوام فریب و فاسد برمی آید. او فقط می خواست در اوج انزوی خود تا آنجا که ممکن باشد، هم بیشترین تعداد مردم را از طریق رقابت های کاذب رقبای برگزیده و امتحان پس داده، به میدان بکشد و هم در همان حال رای آنها را که برخلاف کاندید نظر کرده قدرت حاکم بود، به زیاله دانی بریزد تا بلکه از این طریق بتواند چند صباحی برای ادامه حیات نگین خود فرجه بقاء بیافریند. بدیهی است که چنین رژیمی حتی یک دقیقه نیز تحمل کردنی نیست. اما خلا جایگزین را که مردم با گوشت و پوست خود احساس می کنند تنها خود مردم با مبارزه و مصالح متعلق به خود و تنها بدست خود می توانند پر کنند و نه در زیر بیرق سبز زرد این یا آن جناح! پس زنده باد جنبش رنگین کمان متعلق به کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان! آنها فقط بدست خویش می توانند خویشتن را آزاد کنند.

۸۸-۰۳-۲۳-۱۳-۰۶-۲۰۰۹

بقیه: بیماری شورش های خود جوش توده

خویش نشان داده است که اگر مردم در صفوف بهم پیوسته و مصمم و در سطوح توده ای به میدان بیایند و بتوانند مقاومتشان را تداوم بخشند، در مواردی عقب نشینی خواهد کرد.

اگر مردم معترض که اکنون در مقابل زورگونی های ولی فقیه و رئیس جمهور سرکوبگر و سفسطه باز اش احمدی نژاد به صف آرایی پرداخته اند، نتوانند ولی فقیه و جناح های رنگارنگ آنرا مفتضح کنند و به عقب نشینی قابل ملاحظه ای وادارند، بلاشک در آینده با سرکوبی بمراتب خشن تر از آنچه اکنون حاکم است، روبرو خواهند شد.

با یاری رساندن به مقاومت و مبارزه مردم در مقابل رژیم قدره بند جمهوری اسلامی ایران، بیاری مردم تحت ستم ایران بشتابیم.

زنده باد مبارزات آزاده خواهانه و برابری طلبانه مردم ایران.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران - برقرار باد حکومت کارگری در ایران
دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۵ یونی ۲۰۰۹

مراحل اجرایی سناریوی انتخاباتی تا انتصاب احمدی نژاد

*ماشین انتخاباتی دستگاه ولایت مطلقه فقیه از طریق کودتای تمام عیار علیه آرای ریخته شده به صندوق ها و برقراری نوعی حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و برخی از شهرستان ها و دست زدن به مانور امنیتی بار دیگر احمدی نژاد را به عنوان رییس جمهور تعیین کرد....

روشنگری: به فاصله کمتر از ۲۰ ساعت از پایان انتخابات، ماشین انتخاباتی دستگاه ولایت مطلقه فقیه از طریق کودتای تمام عیار علیه آرای ریخته شده به صندوق ها و برقراری نوعی حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و شهرستان ها و دست زدن به مانور امنیتی بار دیگر احمدی نژاد را به عنوان رییس جمهور تعیین کرد. براساس این سناریوی طراحی شده از سوی رییس ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام شد تا ساعت یک بعد از ظهر شنبه ۲۳ خرداد به وقت تهران، از مجموع ۳۴ میلیون و ۳۷۷ هزار و ۴۹۳ رای اجمدی نژاد ۲۱ میلیون و ۷۸۱ هزار و ۳۹۱ رای معادل ۶۳/۳۶ درصد آراء، میر حسین موسوی ۱۱ میلیون و ۷۰۹ هزار و ۳۹۲ معادل ۳۴/۰۷ درصد و دو نامزد دیگر بر روی هم کمتر از یک میلیون آراء را به دست آورده اند.

اکنون که نتیجه نهایی شمارش آراء را اعلام کرده اند می توان خطوط اصلی سناریوی توطئه دستگاه ولایت مطلقه را آشکارتر دید. قبل از انتخابات به هدف کشتادن مردم به پای صندوق های رای بخصوص در ده روز آخر فضای انتخاباتی عامدانه باز گذاشته شد و اجازه تشکیل گردهم آیی های آزاد، طرح شعارها و مطالبات، مباحثه و گفتگو داده شد. همزمان در اقدامی بی سابقه مناظره نامزدهای انتخاباتی از سوی تلویزیون سازمان داده شد که با حملات شدید و بی سابقه و علنی به خاندان هاشمی رفسنجانی و فساد این خاندان و مداخله اش در انتخابات و تامین مالی تبلیغات نامزدهای مخالف احمدی نژاد همراه بود و فضا را باز هم بیشتر قطبی کرد تا بخش های هر چه وسیع تری از مردم به شرکت در انتخابات تحریک شوند.

همزمان رسانه های وابسته به گروه بندی امنیتی نظامی حاکم به تبلیغ وسیع حول احتمال شورش و راه اندازی انقلاب مخملی پس از انتخابات در اعتراض به نتیجه انتخابات از سوی نامزدهای رقیب دولت پرداختند. این تبلیغات شدید که تهدیدات رسمی فرماندهان سپاه پاسداران و تاکید صریح و رسمی خامنه ای در هنگام ریختن آراء در صندوق ها هم پشتوانه آن بود کاملا آگاهانه و عامدانه صورت گرفت تا هم برگزاری مانور نظامی و استقرار نیروهای امنیتی در نقاط حساس پایتخت و شهرهای اصلی کشور را بلافاصله پس از پایان انتخابات توجیه کند و هم سایر اقدامات کودتاگرانه را؛ نظیر: قطع جریان ارسال پیامک ها، جلوگیری از برگزاری هر نوع تجمع از سوی مخالفین، محاصره ستادهای انتخاباتی رقیب احمدی نژاد و بویژه ستادهای میرحسین موسوی و کروبی، اعلام سریع نتایج آراء در ساعات اولیه پس از پایان رای گیری به جای آغاز اعلام نتایج از ساعات اولیه صبح روز بعد، تهدید روزنامه ها و نشریات از سوی دادستان در صورت انتشار اعتراضات موسوی نسبت به تقلب و دست کاری در آراء، فیلترینگ مهم ترین رسانه های اینترنتی اصلاح طلبان و اعمال کنترل بی سابقه بر مجاری

خبررسانی.

سناریو سازان انتخابات از این طریق با یک تیر چند نشان زدند:

اولا با قطبی کردن فضای انتخاباتی و میدان دادن به حرکت های خودجوش و کشتادن مردم به پای صندوق های رای خواستند به غرب و بخصوص آمریکا نشان دهند که رژیم اسلامی همچنان در میان مردم مقبول است و نظامی که بر دیکتاتوری و استبداد مطلق استوار است گویا پشتوانه مردمی دارد. آنها حالا می توانند به شرکت بیش از ۸۰ درصد دارندگان حق رای در انتخابات استناد کنند، حتی اگر بخش اصلی همین آراء را هم بعدا دست کاری کرده باشند. از نظر دستگاه ولایت مطلقه فقیه و گردانندگان سناریوی انتخابات، شرط تبدیل این انتخابات به یک نمایش مشروعیت رژیم در برابر غرب نه آراء داده شده به نامزدهای مختلف که اصل حضور در پای صندوق ها بود و این چیزی بود که گزارش های متعدد رسانه های غربی و خبرنگاران شان در ایران و حضور آنها در پای صندوق ها هم آن را نشان داد.

ثانیا: همین سناریو را با تقلب و دست کاری آشکار در آراء مردم و جابجا کردن آراء و تبدیل انتخابات به انتصاب مهره تعیین شده پیش بردند. به عبارت دیگر در سناریوی آنان مردم بخش اصلی نیروی اجرایی سناریو بودند که نفس حضورشان در پای صندوق ها از سوی رژیم در جهت مطامع اش مصادره شد.

ثالثا: با پیش بینی اعتراضات رای دهندگان به این کودتای آشکار و دست کاری و تقلب در آراء، و تمرکز بر خطر شورش ها و چسباندن پیشاپیش عنوان "مخملی" بر پیشانی هر نوع اعتراض به تقلب و دست کاری آراء، بهانه و فرصت را برای سرکوب هر چه بیشتر جناح رقیب فراهم ساختند.

انتخابات ریاست جمهوری با تقلبات گسترده و دست کاری در آراء و بیرون کشیدن مهره بدنام و سوخته ای به نام احمدی نژاد از درون صندوق ها، یک دهن کجی جدید به حق رای مردم، و یک کودتای آشکار انتخاباتی علیه جناحی از رژیم است.

انتصاب احمدی نژاد بار دیگر نشان داد که در رژیم جمهوری اسلامی که بنیادش بر نفی حق رای عمومی استوار است انتخابات آزاد و واقعی معنا ندارد که هیچ، این رژیم حتی به حق رای در محدوده کسانی که در واقع منصوب شده گان بازی انتخاباتی اش بوده اند هم باور ندارد و چنان از ظرفیت تغییر و رفرم خالی است که بدون کوچک ترین توجه به بی اعتباری اش در انتظار عمومی شبانه علیه بخشی از خودی های رژیمش دست به کودتا زده است. انتصاب احمدی نژاد و ابقای گروه بندی امنیتی و نظامی سرکوبگر در دستگاه دولتی، از طریق اجرای سناریوی رسمی ماشین انتخاباتی دستگاه ولایت مطلقه فقیه، همچنین نشان داد که تحول طلبی و خواست تغییر که بویژه زنان و جوانان کشور خواستار آنند فقط با خودسامان یابی بر محور خواست ها و مطالبات آزادی خواهانه و برابری طلبانه و در ستیز با کلیت نظام کنونی می تواند پیشروی کند نه از طریق موج سازی های کنترل شده.

۲۳ خرداد ۱۳۸۸

بقیه: کودتای خشن دستگاه ولایت

آخر عنصر غافلگیری در میان نیست. دولت کودتاچیان نظامی - امنیتی که در چهار سال پیش با یک کودتای انتخاباتی و با حمایت دستگاه ولایت به قدرت رسید، این بار برای تکمیل کودتای خود بسیار برنامه ریزی شده وارد عمل شده است. فلج کردن اصلاح طلبان با دستگیری های گسترده سران آن، امری تصادفی نیست.

چگونه می توان کودتا را در هم شکست؟

حال که کودتای خشن دستگاه ولایت انجام گرفته است و نیروهای ارتش و سپاه وارد عمل شده اند؛ خیابان های شهرهای مختلف را جولان گاه خود کرده اند؛ مردم و بویژه جوانان را بی دلیل به باطوم می بندند، و سنگرش خیابان ها را خونین می کنند؛ در مقابل آن نمی توان و نباید سکوت کرد. کودتای دستگاه ولایت را می توان در هم شکست. برای درهم شکستن کودتا، استفاده از سیستم های ارتباطی که در طول دوره تبلیغات انتخاباتی ایجاد شده بود، می تواند مؤثر باشد. اما بیش از هرچیز، ضرورت سازماندهی درونی خود، ایجاد تشکل های توده ای محله ای، همسویی و همکاری با تشکل های موجود دانشجویی و استفاده ی گسترده از امکانات ارتباطی مدرن، باید در دستور قرار گیرد. در شرایط

سازماندهی مقاومت مؤثر در برابر کودتا، باید تلاش فراوانی کرد که شکاف های درونی رژیم به سرعت بسته نشود. استفاده ی دقیق از این شکاف ها و کند کردن لبه تیز شمشیر دستگاه ولایت که بیرحمانه به کار گرفته شده، امری نیست که بتوان از کنار آن گذشت. اگر شکاف های درونی رژیم بسته و دستگاه سرکوب یک دست شود، دامنه و ابعاد سرکوب به شدت گسترش خواهد یافت و می تواند حمام خون به راه بیاندازد. اگر مقابله در برابر کودتا، باز سنگینی بر دوش مردم و مبارزان در داخل کشور قرار داده است، رساندن صدای مقاومت و آگاه کردن افکار عمومی جهان، بر دوش همه آثانی است که در خارج از حیطه قدرت کودتاچیان قرار دارند. نباید گذاشت، سرکوب خشن جنبش مردمی کشور و حاکمیت کودتای سیاه دستگاه ولایت و سپاه و ارتش، به صورت آرام و در سکوت جهانی انجام گیرد. ۲۳ خرداد ۱۳۸۸-۱۳ ژوئن ۲۰۰۹

چهره عریان فاشیسم در زیرزمین وزارت کشور

*ماموران که لباس چرمی سیاه پوشیده بودند سنگ های پیاده رو را با باتون شکسته و به سوی معترضین پرتاب می کردند.
*تنها مناسبت نام خیابان فلسطین مشابهت رفتار پلیس ایران و ارتش اسرائیل و تبدیل شدن آنها به مشتی اوباش در مقابله با معترضین است.

روشنگری ماموران غول پیکر رژیم سنگ های پیاده رو خرد کرده و با قطعات آن به جوانان معترض حمله میشوند، رژیم ماموران خود را در فاصله شکنجه نوجوانان اسیر، با غذاهایی که در بسته بندی ارسال میشود پروار میکند تا با قوت بیشتری به جان جوانان بیفتند. رابرت فیسک گزارشگر مستقل بریتانیایی که خود شاهد صحنه های هولناک شکنجه جوانان توسط ماموران رژیم بود با بازگویی آن ورقی دیگر بر پرونده سیاه رژیم اسلامی ایران در تاریخ ادبیات سیاسی دوران ما افزوده است. آنچه او را حیرت زده کرده است و از خواننده می خواهد که آن را به خاطر بسپارد واقعات رژیم و مامورانش در بی شرمی و خشونت بی پرده مقابل چشمان خبرنگاران خارجی و مردم و حضور سایر ماموران است. آن بخش هایی از مقاله فیسک که مشاهدات او از خشونت رژیم بازتاب میدهد در زیر روایت می شود.
مقاله با توصیف صحنه کتک زدن وحشیانه یکی از معترضان توسط یک مامور رژیم آغاز میشود:

پلیس نخست با فریاد فحشی نثار هوادار میرحسین موسوی کرد، بعد با باتون صورت مرد جوان را زیر ضرب گرفت. بعد سرورانه به تخم او لگد زد. در تمام خیابان ولی عصر همین صحنه بود. دستجات پیاده نیروهای پلیس ضد شورش که لباس چرمی مخصوص سیاه پوشیده و کلاه سیاه بر سر و باتون سیاه بر دست داشتند و نیروهای امنیتی سوار موتور سیکلت های هوندای مدرن آنها را اسکورت می کردند به جوانان که برای نجات جان شان می گریختند حمله می کردند. این جوانان قبول نمی کردند که محمود احمدی نژاد ۶۲،۶ درصد آراء را به دست آورده است. و حالا بهای آن را می پرداختند.

در خیابان فاطمی شعار می دادند و مرگ بر دیکتاتور، حالا هزارها تن از آنها به پلیس ناسزا می گفتند. آیا آنها باید چهار سال دیگر مردی را تحمل کنند که در عین اینکه با لجن و فروتنی به دموکراسی سوگند میخورد، حقوق و آزادی های انسانی در جمهوری اسلامی را بطو مستمر تنگ و تنگ تر می کند؟ ...

[بعد از کاهش بازهم بیشتر آراء موسوی در اواسط روز] جمعیت در اطراف میدان فاطمی در در دوایری میرقصیدند و می خواندند: احمدنژاد صهیونیست، در امتحان تقلب کرد. در اینجا بود که متوجه شدم پلیس با تظاهر کنندگان همیشه به همان شیوه [توصیف شده در فوق] برخورد می کرد: سر و بیضه ها. این یک پیام سرراست بود: یک ضربه به صورت، یک لگد به بیضه ها و زنده باد دموکریاتور. [اصطلاحی که فیسک به تمسخر برای احمدی نژاد برگزیده که هم ادعای دموکراسی می کند هم طرفدار دیکتاتوری است]

بسیاری از معترضین که حالا صورت شان را با پارچه سبز پوشانده بودند سعی می کردند خود را به وزارت کشور برسانند که شورای انتخابات حکومت در آن مشغول شمارش (به چشمی دیگر عدم شمارش) آراء عظیم انتخابات روز جمعه بود. من به طبقه زیرین این عمارت شديداً بد

منظر رفته که زمانی به صورت معنا داری مقر حزب شاه بود و با یک فرودگاه برای هلی کوپتر در سقف تجهیز شده است. در آنجا به روزنامه نگاران شکولات لاته سرد و شربت توت فرنگی تعارف می شد و آخرین نتایج انتخابات به نمایش گذاشته می شد...

چند تظاهرات پراکنده در دفاع از دیکتاتور مدعی دموکراسی دموکریاتور، انجام شد که البته تمام آنها مرد بودند و خود را در پرچم ایران پیچیده بودند زیرا دموکریاتور، که همیشه خود را یک مسلمان معتقد می نمایاند، کارزار انتخاباتی خود را در پرچم ملی پیچیده است. به دست هریک از این افراد تومند نسخه های چهارصفحه ای و رایگان خبرنگارانه بد نام ایران را داده بودند که روی آن تیتر زده شده بود: ۲۴ میلیون رای مردم به موفقیت، صداقت و مبارزه علیه فساد. ولی روزنامه جهان سبز موسوی تیتر خودش را داشت که گفته می شد قبل از تعطیل آن در روز گذشته توسط مقامات به آن دیکته شده بود. ، پیروزی مردم ایران مبارک..

در خیابان ها حالا صحنه ها بدتر شده بود. پلیس ها آجرها را از موتور سیکلت های شان پیاده می کردند و سنگ های پیاده رو را شکسته و به سوی تظاهر کنندگان که حالا سوار بر موتور سیکلت های خودشان از میان صفوف پلیس موتور سوار می گریختند، پرتاب می کردند. من یک مرد بسیار بلند قدی را دیدم که به شیوه بتمن لباس چرم سیاه ضد گلوله و ساقبند پوشیده بود و سنگ های پیاده رو را با باتون خود میکند و زیر چکمه خود خرد می کرد و آنها را به سوی طرفداران موسوی پرت می کرد. یک زن میانسال به سوی او رفت - زن ها دیروز در مقابله با پلیس شجاع تر از مردان بودند - و با فریاد سوالی / یک سوال بدیهی/ را مطرح کرد: چرا داری پیاده روهای شهر ما را از جا می کنی؟ پلیس مزبور باتونش را بلند کرد که زن را بزند که افسری از آن طرف خیابان دوید و بین آنها ایستاد و گفت: هیچوقت نباید یک زن را بزنی.. حق کار خوب را باید ادا کرد، حتی در یک شورش.

ولی پلیس ها به شکستن سنگ ها ادامه دادند. درست برعکس آنچه در ماه مه فرانسه روی داد. آنوقت جوانانی که انقلاب می خواستند سنگ می انداختند، در تهران این پلیس بود که وحشت زده از انقلاب سبز موسوی سنگ پرتاب می کرد... [۱]

پلیس اکنون نسبت به مخالفان خشن تر شده بود. مترجم خودمن را سه بار از پشت زدند. پلیس ها عکاس های خودشان را آورده بودند که از پیاده رو ها عکس معترضان را می گرفتند، از این رو بود که آن ها صورت شان را با پارچه سبز پوشانده بودند. لباس شخصی های پروراشده حالا با بتمن ها قاطی شده بودند. یکی از ماموران از من خواست که پاسپورتم را به او نشان بدهم ولی وقتی من کارت مطبوعاتی ایرانی خودم را نشان دادم دستی به شانه من کشید و راه عبور مرا باز کرد.

حالا من به مقابل وزارت کشور رسیده بودم جایی که پلیس زندانیان را از صفوف مقدم در خیابان گرفته و به آنجا می آورد. اولین نفر یک جوان ۱۶-۱۵ ساله بود که پولیور سبز پوشیده بود و دو پلیس یونیفرم پوش شبیه نظامی او را کشان کشان توی وانت پلیس که پشت آن را قفس گذاشته بودند انداختند. او را روی زمین فلزی انداختند، بعد یکی از پلیس ها از وانت بالا رفت و با باتون به جان او افتاد. پشت من بیش از ۲۰ پلیس، که بعد از فعالیت شدید برای درهم شکستن استخوان های مخالفان در صبح آن روز عرق کرده بودند، روی پله های یک مغازه نشستند و مشغول خوردن غذاهایی بودند که در بسته بندی آماده شده به آنها داده شده بود. یکی از آنها لبخندی زد و به من تعارف کرد. مودبانه رد کردم. به زحمت میتوانستم چیزی بخوردم. زیرچشم آنها، و زیر چشم من، بود که معترض بد اقبال بعدی را آوردند که توی قفس وانت بیندازند. او را که پیرهنش روی شلوارکشفتش افتاده بود، در بیرون وانت زدند، به بیضه اش لگد میزدند و بعد با کتک روی صندلی عقب وانت نشاندند. یک پلیس دیگر از وانت بالا رفت و شروع کرد با باتون به صورت او کوفتن. مرد از شدت درد فریاد می کشید. یک پلیس دیگر آمد، و همه این ها، این را به خاطر بسپارید، در مقابل چشم ده ها مامور امنیتی دیگر، در مقابل چشم خود من، که آشکارا معلوم بود غربی هستم، و در مقابل چشم زنان چادری که از پیاده رو مقابل وحشت زده به این صحنه هولناک خیره شده بودند، صورت می گرفت.

پلیس دیگر که یونیفرم ارتشی پوشیده بود از وانت بالا رفت، دست های مرد را با دست بند پلاستیکی از پشت بست، باتونش را برداشت و به سر و صورت او کوفتن. زندانی اشک میریخت ولی ضربه ها ادامه داشت تا وقتی که جوانان دیگری را آوردند. آنوقت ماشین های پلیس بیشتری از راه رسید و تعداد بیشتری زندانی زیر ضربات قرار گرفتند. همه آنها را

که در خودروهای قفس دار بودند به زیر زمین وزارت کشور بردند. من ورود ماشین ها به زیر زمین را دیدم. حالاندر این عملیات وحشیانه وقفه ای صورت گرفت، زیرا بیانیه چاپ شده موسوی به مقر کارزارش رسید. گفتم رسید ولی پلیس قبلا دفتر او در خیابان فلسطین را بسته بود. خیابانی که تنها مناسبش با این نام از آن روست که پلیس ایران درست همان برخورد ارتش اسرائیل را دارد که هنگام مقابله با معترضین فلسطینی به توده ای از ارادل و اوباش تبدیل می شود. کارمندان موسوی فقط توانستند بیانیه او را از روی دیوار پرت کنند. متن بیانیه قوی بود... [فیسک در اینجا بخش های مهم بیانیه را بازگو می کند].

دفتر موسوی در قطریه در شمال تهران چند ساعت قبل از آن به محاصره بسیجی های طرفدار احمدی نژاد در آمده بود. آنها پنجره ها را بقیه در صفحه ۶:

درگیری جوانان با نیروهای سرکوب در خیابان های تهران در واکنش به تقلب در انتخابات.

***نیروهای سرکوبگر جوانان خشمگین و معترض به شدت ضرب و شتم می کنند. چندین خودروی نیروی پلیس به آتش کشیده شده است...**

روشنگری: کودتای انتخاباتی دستگاه سرکوبگر ولایت مطلقه فقیه ساعاتی پس از آن که سید علی خامنه ای رسماً با انتشار پیامی بر کودتا صحنه نهاد با اعتراضات گسترده جوانان در تهران و رویارویی با نیروهای امنیتی و پلیس و پاسداران و بسیجی ها روبرو شد. از ابعاد واقعی این اعتراضات هنوز گزارشات دقیقی در دست نیست. اما نخستین تصاویر و فیلم های خبری در یوتیوب در این زمینه انتشار یافته است. دقایقی پیش خبرنگار شبکه اول تلویزیون سوئد از تهران با انتشار تصاویر درگیری ها و حمله پلیس به جوانان و همچنین به آتش کشیده شدن چندین خودرو وابسته به مزدوران بسیجی پیش بینی کرد در صورت تایید رسمی تقلب وسیع انتخاباتی از سوی خامنه ای دامنه اعتراضات به سرعت گسترش یابد.

فیلم اعتراضات جوانان در یوتیوب را در لینک زیر در روشنگری ببینید:
<http://www.roshangari.net/as/sitedata/20090613175423/20090613175423.html>

گفتنی است رژیم به دنبال انتشار فیلم های اعتراضات در یوتیوب و فیس بوک دسترسی به این دو شبکه را از طریق فیلترینگ ناممکن کرده است. خبرنگاری بی بی سی در گزارشی از تهران ناآرامی های عصر امروز در تهران را تایید کرد. مشروح این گزارش به شرح زیر است:

در پی اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، منابع خبری از بروز درگیری در یکی از میدانی شمال شهر تهران میان حامیان محمود احمدی نژاد و میر حسین موسوی خبر داده اند، همچنین گزارش هایی از ناآرامی مقابل ساختمان وزارت کشور ایران منتشر شده است که خبرنگاری آسوشیتدپرس آن را "جدی ترین ناآرامی یک دهه گذشته در تهران" خوانده است.

میرحسین موسوی با انتشار بیانیه ای تازه، با اذعان به "رنجش عمیق" طرفدارانش از آنها خواسته "هیچ فرد یا گروهی خود را در معرض صدمه قرار نداده آرامش و متانت خویش را از دست ندهد و همگان در هر حال حساب خود را از هر گونه رفتار خشونت آمیز جدا نمایند."

او همچنین از نیروی انتظامی خواسته است "با درایت مردم را از خود دانسته احساسات آنها را در این شرایط درک کند." یک منبع آگاه از بروز درگیری هایی در خیابان دانشگاه در شهر زاهدان خبر داد. بر اساس اخبار دریافتی، نیروی انتظامی چند نفر از طرفداران میرحسین موسوی را که در تجمعی در این خیابان حضور داشتند بازداشت کرده است.

همچنین تصاویری از راهپیمایی هزاران نفر از طرفداران میرحسین موسوی در خیابان های تهران در سایت های اینترنتی مختلف منتشر شده است که در آن حامیان آقای موسوی با دادن شعار خواستار بازپس گیری آراء خود شده اند.

در پی انتشار فیلم ها، عکس ها و خبرهای مربوط به این درگیری ها در اینترنت، سایت های "فیس بوک" و "یوتیوب" در ایران فیلتر شده است. محسن خانچرلی معاون رئیس پلیس تهران اعلام کرده است که نیروی تحت امر او با هر تجمع یا راهپیمایی که بدون مجوز برگزار شده باشد "برخورد قاطعانه" خواهد داشت.

این مقام پلیس از سیب رساندن به اتومبیل ها توسط معترضین خبر داد و گفت: "پلیس با مردم برخورد نمی کند، بلکه با کسانی مقابله می کند که نظم عمومی را برهم می زنند یا به امکان عمومی آسیب می رسانند." یکی از فیلم های منتشر شده اتوبوسی به آتش کشیده شده را در تقاطع خیابان های قائم مقام فراهانی و مطهری نشان می دهد.

تصاویر منتشر شده، همچنین حاکی از ضرب و شتم شدید معترضان توسط نیروهای ضد شورش و لباس شخصی است و گزارشی هم از آتش زدن سه موتورسیکلت متعلق به پلیس ضد شورش منتشر شده است.

به گزارش خبرنگاری رویترز حامیان میرحسین موسوی در حوالی میدان ونک تهران، واقع در شمال این شهر با نیروهای پلیس درگیر شدند.

به نوشته این خبرنگاری نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از طرفداران آقای موسوی اقدام به تحصن در میان جاده ای منتهی به میدان ونک و دادن شعار کرده بودند که به بروز درگیری منجر شد.

این خبرنگاری از بروز درگیری و کتک کاری میان حاضران خبر داده و نوشته در نهایت پلیس با باتوم به معترضان حمله کرد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز از آتش زدن لاستیک از سوی معترضان به نتیجه انتخابات مقابل ساختمان وزارت کشور ایران خبر داده و نوشته در نقطه ای دیگر در شهر تهران هم آسیب هایی به یک بانک وارد شده است.

آسوشیتدپرس از حمله سربازان نیروی انتظامی به معترضان مقابل وزارت کشور نیز خبر داده است.

خبرگزاری فرانسه هم خبری از درگیری طرفداران میرحسین موسوی و پلیس ضد شورش در مناطق مرکزی شهر تهران منتشر کرده است.

پیش از آغاز اعتراض ها در ساعات ابتدایی بامداد شنبه ۲۳ خرداد (۱۳ ژوئن)، طرفداران آقای احمدی نژاد پس از اعلام پیشتازی او در شمارش آراء، در خیابان ها حضور یافتند و به شادمانی پرداخته بودند.

ناآرامی ها در شرایطی رخ داده که آیت الله خامنه ای در پیام خود پس از انتخابات از "طرفداران نامزد منتخب و هواداران نامزدها" خواسته که از "هر گونه رفتار و گفتار تحریک آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند."

پیش از آن و در ساعات پایانی برگزاری انتخابات هم پلیس تهران اعلام کرده بود که از ساعت ۵ عصر روز جمعه "برای برقراری نظم و امنیت" در پایتخت ایران "مانور اقتدار" برگزار کرده است.

گالری عکس های مربوط به تظاهرات در تهران را در لینک زیر می توانید ببینید:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/06/090613_ag_tehran_de_mog_pics4.shtml
۲۳ خرداد ۱۳۸۸

درگیری! تیراندازی! مقاومت مردم در تهران شلیک گلوله در ونک ... درگیری شدید در تقاطع تخت طاووس و وزرا! حمله یگان ویژه به مردم

شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"...

گزارش ارسالی به روشنگری از وضعیت درگیری ها تا ساعت ۸ شب روز ۲۴ خرداد در تهران:

فوری: تقاطع تخت طاووس و وزرا! درگیری ها شدید گزارش می شود. مردم در مقابل نیروهای امنیتی که قصد گرفتن چهارراه را دارند مقاومت می کنند.

کروبی از حامیان خود خواست که به خانه هایشان برگردند.

صدای شلیک گلوله

در ونک به گوش می رسد

پایین تر از وزرا - مردم در حال حرکت به سمت چهارراه برای بازگرفتن آن از نیروهای امنیتی - شعار: مرگ بر دیکتاتور

میدان فلسطین - پلیس به مردم حمله کرده و ضد و خورد بین آنان شدید گزارش می شود - شعار: مرگ بر دیکتاتور

یوسف آباد - مردم در خانه ها را باز گذاشته اند تا کسانی که پلیس به آنها حمله کرده است را پناه دهند

ولی عصر - فضا امنیتی است. نیروهای یگان ویژه در محل مستقر شده و از هر گونه تجمع و یا توقف افراد شدید جلوگیری می کنند. موتورسواران نیروهای امنیتی در حال مانورند. گفته می شود که در تمامی محل های درگیری، بجز ولی عصر، مردم آتش روشن کرده اند. خبر فوری: در خیابان وزرا نرسیده به کریم خان نیروهای یگان ویژه به مردم حمله برده و باعث پراکندگی آنان شدند. همچنین نزدیک به ۲۰۰ نفر را به محاصره کامل خود درآورده و با ضد و خورد های فراوان دستگیر کردند.

بنا به گفته های حاضران در میدان ونک هنوز فضای آنجا ملتهب گزارش شده و صدای تیراندازی به گوش می رسد. با جمع شدن حتی تعداد اندکی از مردم پلیس به آنها حمله ور شده و سعی در متفرق کردن آنها دارد. همچنین تعدادی از دانشجویان خواهج نصیر در این دانشگاه تجمع کرده و به سر دادن شعار "مرگ بر دیکتاتور" پرداختند.

حاضران در مناطق بلوار کشاورز، میدان فلسطین و خیابان وصال

گزارش می دهند که پلیس با حمله به مردم به متفرق کردن آنها

پرداخته است. فضا به شدت ملتهب گزارش شده و دود و شعارهای

بی وقفه فضای این مناطق را دربر گرفته است.

گزارش های رسیده از حاضران در دانشگاه تهران خبر از تجمع

تعدادی از دانشجویان که حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر برآورد می شوند،

می دهد. همچنین در طرف مقابل خیابان مردم تجمع کرده بودند.

دانشجویان به سر دادن شعارهایی چون "مرگ بر دیکتاتور" و

"مردم درد ما مشترک است" از مردم خواستند که به آنها بپیوندند.

علی رغم عادت، پلیس زیادی در مقابل دانشگاه حضور نداشته و

تعدادی از جوانان در خیابان با شکستن سد پلیس به داخل دانشگاه

راه یافتند.

ظاهران با متفرق شدن مردم در حوالی خیابان های وصال، بلوار

کشاورز، میدان فلسطین و یوسف آباد، درگیری ها به صورت

پراکنده و در کوچه ها در جریان است. فضای شهر شدید امنیتی

گزارش می شود.

دانشجویان متجمع در دانشگاه تهران با سردادن شعارهای "مردم

چرا نشنستین! ایران شده فلسطین! مردم به ما ملحق شین!" و "ای

دولت خائن، آواره گردی، ... ، مرگ بر تو!" مردم را به سمت خود

جلب نظر می کنند. همچنین به گفته دانشجویان کسانی که کنترل

درب های دانشگاه را در کنترل خود دارند، نیروهای حراست نیستند

خبر فوری: جمعیتی در حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر در میدان ولی

عصر تهران تجمع کرده اند. نیروهای امنیتی که از ساعت ها پیش

با در دست گرفتن کامل فضای این منطقه، درصدد جلوگیری از

تجمع مردم در این مکان بودند، در برابر جمعیت زیاد مردم

نتوانسته اند مقاومت کنند و در حال حاضر تمام میدان در دست

مردم است.

خبر فوری: میدان ولی به تصرف کامل نیروهای یگان ویژه در آمده

است. از طرف دیگر یک سری از نیروهای امنیتی از فلسطین به

پایین را محاصره کرده اند. جمعیتی در حدود ۱۰۰۰ نفر در بلوار

کشاورز محاصره شده اند.

در حوالی مترو مفتوح فضای خیابان ها ملتهب گزارش می شود.

مردم در اتومبیل های خود با به صدا در آوردن بوق به اعتراض

می پردازند. همچنین در خیابان مطهری، آتش های پراکنده متعددی

برپا شده و مردم در نقاط مختلف خیابان ایستاده اند. پلیس در این

خیابان حضور ندارد.

خبرها حاکی از تجمع مردم در شهر تهران در مناطق مختلف است.

مردم در هر کجا که با برخورد پلیس متفرق می شوند، در منطقه ای

دیگر دوباره گردهم می آیند. هم اکنون از میدان انقلاب تا چهارراه

ولی عصر مملو از جمعیت است. ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

اساتید به حمله های وحشیانه صورت گرفته علیه دانشجویان معترض هستند.

اساتید دانشگاه امیرکبیر همچنین به تقلب صورت گرفته در انتخابات و برخوردهای صورت گرفته با مردم معترض هستند.

هم اکنون بیش از ۵۰۰ تن از دانشجویان نیز در مقابل مسجد دانشگاه در حمایت از اساتید حضور پیدا کرده اند. همچنین دکتر

فهمی فر رئیس سابق دانشگاه امیرکبیر نامه ای به نمایندگی از اساتید دانشگاه در مسجد دانشگاه خوانده است. نزدیک به ۱۵۰

نفر از استادان دانشگاه امیرکبیر در تحصن به سر می برند. ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

یک نمونه از "آزادی نزدیک به مطلق" در حکومت پاسداران: تصویر دانشجوی زخمی!



روشنگری: احمدی نژاد روز گذشته در نمایشی که برای توجیه کودتای ننگین پاسداران و امنیتی ها و دستگاه ولایی در تهران برپا شده بود در جمع لباس شخصی ها و بسیجی ها و سایر عمال حکومتی ضمن رد تقلب انتخاباتی از جمله ادعا کرد که در ایران "آزادی نزدیک به مطلق حاکم است."

ظرف دیروز و امروز لباس شخصی ها و چماقداران و نیروهای امنیتی با حمله به دانشگاهها و بویژه بورش وحشیانه به کوی دانشگاه، تعداد زیادی از دانشجویان را بشدت مجروح و مضروب کردند. تصویر این صفحه که دانشجویی زخمی از دانشگاه اصفهان را نشان می دهد، یکی از اسناد ادعای رییس جمهور تقلبی در وجود "آزادی نزدیک به مطلق" در ایران است. ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

حمله به کوی دختران خبر فوری و استمداد از مردم امیرآباد

نیمه شب یکشنبه ۲۴ خرداد

هم اکنون خبر رسید که یگان ویژه و لباس شخصی ها به خوابگاه دختران کوی دانشگاه حمله کرده اند. از صداهای پشت تلفن معلوم بود که ضرب و شتم دانشجویان به شیوه وحشیانه ای اجرا می شود. دانشجویان خبر دادند که ابتدا چندین گلوله ی گاز اشک آور شلیک شده و پشت ایشان نیروهای سرکوبگر وارد خوابگاه گشته و از اطاق به اطاق رفته و دانشجویان را بصورت وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می دهند.

باید یادآوری کرد که نیروهای سرکوبگر از دیشب قصد بر تصرف کوی دانشگاه داشتند. اما دانشجویان کوی با برپا داشتن سنگرها از حمله موتوریزه ی این نیروها جلوگیری کرده بودند. بنظر می رسد با حمله از طرف خوابگاه دختران، این نیروها قصد دارند تا دانشجویان را در کوی محاصره کرده و سپس به شکل گازانبری مورد حمله قرار دهند.

دانشجویان کوی دانشگاه در این تماس خواستار اقدام عاجل مردم، خصوصاً مردم امیرآباد که هم اکنون در خیابان مشغول اعتراض هستند شدند. ارسالی از یک کاربر روشنگری - ۲۵ خرداد

تحصن اساتید دانشگاه امیرکبیر

خبرنامه امیرکبیر: از صبح امروز اساتید دانشگاه امیرکبیر دست به تحصن زدند.

اساتید دانشگاه امیرکبیر در مسجد این دانشگاه دست به تجمع زده اند که هر لحظه بر تعداد آنان افزوده می شود.

این تظاهرات از جانب مقامات رژیم جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده بود. این تظاهرات در مسیر میدان امام حسین تا میدان آزادی برگزار شد.

خبرگزاری رویترز گزارش کرده است که در تظاهرات مردم تهران در ۲۵ خرداد، حدود یک میلیون نفر شرکت داشتند. برای دیدن فیلم تظاهرات روز ۲۵ خرداد در تهران به لینک زیر کلیک کنید:
http://www.youtube.com/watch?v=4_7GPBiikFM

قتل دانشجویان مبارز توسط نیروهای امنیتی رژیم
اخبار دریافتی حکایت از کشته شدن تعدادی از دانشجویان در کوی دانشگاه تهران دارد. ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

جنایت جدید نیروهای بسیج!

بنا بر آخرین اطلاعات رسیده از ایران، نیروهای بسیج در تیراندازی به سوی راهپیمایان تظاهرات تهران (دوشنبه ۱۵ یونی - ۲۵ خرداد) که در اعتراض به تقلبات دولت و "انتخابات" دوره دهم ریاست جمهوری در صفوف میلیونی به خیابانها آمده بودند، تعدادی از مردم بی دفاع و معترض را بگلوله بستند. بنابر همین اطلاعات رسیده، تعداد مقتولین این جنایت جدید نیروهای سرکوبگر بسیج، هفت نفر است. گزارشات دیگری حکایت از این دارد که مردم خشمگین و معترض ساختمان "ناحیه مقاومت بسیج ویژه قدس، گردان ۱۱۷ عاشورا" را که از آن مکان تیراندازی بر روی مردم بانجام رسیده بود، به آتش کشیدند.

مبارزات دانشجویان در روزهای اخیر!

بنابر گزارشات که در روزهای اخیر از زاهدان، شاهرود و شیراز، تبریز، شاهرود رسیده است، دانشجویان این شهرها نیز در همبستگی با مقاومت و مبارزه مردم معترض به اجحافات رژیم جمهوری اسلامی، تجمعاتی بوجود آورده و خشم و نفرت خویش را در رابطه با سرکوب های رژیم و خواست های آزادی و برابری طلبانه به اطلاع افکار عمومی در ایران و جهان اطلاع دادند.

صدای ما را به گوش جهانیان برسانید.

گزارشی تکان دهنده از وقایع دیشب و امروز در دانشگاه تهران
گزارشی تکان دهنده ای از وقایع دیشب و امروز در دانشگاه تهران. وحشی گری پلیس و نیروهای سرکوب بی سابقه بوده! صدای ما را به گوش جهانیان برسانید.
مشروح این گزارش را می توانید از رادیو برابری به آدرس زیر بشنوید:

<http://www.radiobarabari.net/files/2009/06/15/3 رام>
۲۵ خرداد ۱۳۸۸

بخش هائی از بیانیه

جمعی از کارگران ایرانخودرو در تهران.

دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

تهران زیر پای مردم حق طلب به خود می لرزد. تظاهر کنندگان شعار میداند: مرگ بر دیکتاتور- ما دولت دیکتاتور نمی خواهیم - آزادی آزادی - ما دولت سبب زمینی نمی خواهیم - مرگ بر دولت مردم فریب - آزادی خواست مردم ایران است - دیکتاتوری نه - فقط آزادی - فقط باید میان مردم بود و دید - آزادی آزادی - نه به دیکتاتور - نه به احمدی نژاد. شعارهای فوق دراطلاعیه ۲۵ خرداد جمعی از کارگران ایرانخودرو، برجسته شده است. این اطلاعیه می افزاید:

ستاد این حرکت نه ۱۸۴ تیر بلکه از دل جامعه آغاز گشته است. اینک میلیونها جوان بی توجه به این سرکوب ها شهرهای ایران را به لرزه در آورده اند. اینک نه تهران، نه از کوی دانشگاه تا انقلاب، بلکه تمام شهرهای ایران زیر گام استوار جوانان انقلابی می لرزد.

دوستان کارگر حضور گسترده ما در کنار این جوانان با آگاهی و طرح شعارهای خودمان اجازه ندهیم دوباره حرکت انقلابی مردم به بیراهه برود

دانشجویان وفرزندان انقلابی کارگران و آزادیخواهان اینک شعله های انقلاب زیانه می کشد. با هشیاری و متشکل شدن در تشکلهای خودمان اجازه ندهیم که دوباره با طرح شعاری های بی محتوا فریب مان بدهند.

این حرکت بر دوش ما کارگران وشما جوانان انقلابی قرار دارد اجازه ندهیم که یکباردیگر فرصت طالبان حرکت مانرا به انحراف بکشند

کارگران و آزادیخواهان تنها حضور آگاهانه ما در این حرکتهاى انقلابی است که پیروزی مان را تضمین خواهد کردو با آگاهی واتحاد به پیش برویم.

کارگران ایران خودرو این حرکت مردم آزادیخواه را به همه آزادیخواهان و مردم انقلابی تبریک می گویند

آزادی حق مسلم ماست
زنده باد آزادی

آزادی! آزادی! آزادی! شعار انبوه جمعیت در تظاهرات امروز تهران.



* پیوندها *
سردبیر نشریه: منصور نجفی
mansour.nadjifi@telia.com
ایمیل روابط عمومی سازمان
public@rahekargar.net
تلفن روابط عمومی سازمان
0049-69-50699530
شماره فاکس سازمان
۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴
سایت راه کارگر
www.rahekargar.net
سایت رادیو برابری
www.radiobarabari.net
سایت اتحاد چپ کارگری
www.etihadchap.org
سایت رادیو صدای کارگران ایران
www.sedayekargaran.com
نشر بیدار
www.nashrebidar.com
نشریه انگلیسی ایران بولتن
www.iran-bulletin.org
توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاما بیانگر مواضع سازمان نیستند.



.....